

WHY PLURALISM?

<http://www.ghandchi.com/294-cherApluralism-plus.htm>

چرا پلورالیسم؟

من سالها متعجب بودم که چرا بسیاری از گروه‌های مارکسیستی با لیبرالیسم دشمنی می‌ورزیدند، نورالدین کیانوری رهبر حزب توده اصطلاح لیبرال را به بدترین توهین در فرهنگ سیاسی ایران تبدیل کرد، و در زمان گروگان‌گیری بسیاری از چپ‌ایران با حزب الله، برای سقوط لیبرالیسم در ایران بعد از انقلاب 57، متحد شدند؟ با تفحص بیشتر منوجه شدم که سرسختان مارکسیسم شوروی و چین نیز همینگونه با لیبرالیسم عناد می‌ورزیده‌اند.

در واقع جدایی بسیاری از گروه‌های چپ ایران از مارکسیسم، بدلیل اطلاع از جنایات حکومت‌های کمونیستی در کامبوج Killing Fields و ویتنام، و نیز در پی آشکار شدن قتل عام مخفیانه خانواده تزار توسط لنین، و بسیاری جنایات دیگر آن رژیم در طی بیش از نیم قرن، در پیآمد سقوط امپراطوری شوروی، انجام شد، و نه از طریق نقد ایدئولوژی محافل روشنفکری در ایران.

روشنفکران ایران اشتباه برنامه‌های خود، عملاً در عملکرد رژیم اسلامی دیدند، که بسیاری از آن برنامه‌ها را به عمل گذاشت، و نه مانند روشنفکران ویتنام که آنرا در اصل کمونیستی خود تجربه کردند و برای رهایی از آنچه خود ساختند، نظیر روشنفکران ایران، ولی به نوع دیگر، در کوششند.

در واقع بسیاری از ایدئولوژی‌هایی که ریشه خود را در مارکسیسم داشتند، برای بیش از یک قرن بر اندیشه روشنفکری ایران غلبه داشته‌اند، حال برخی نظیر خمینی، غیر مستقیم از طریق سید قطب مصری، و برخی دیگر نظیر مجاهدین، مستقیماً از طریق متون مارکسیستی. در واقع به این حقیقت خرده نمی‌توان گرفت، چرا که مارکسیسم برای بیش از یک قرن، مهمترین اندیشه موجود در عرصه علوم انسانی و علوم اجتماعی بوده است.

من تحقیقی درباره "مونیسیم و اندیشه مارکسیستی" در سالهای ادائل 1980 کردم، که بسیاری از سوالات من را درباره موضع ضد لیبرالی بسیاری از گروه‌های سیاسی ایران پاسخ داد. می‌توانید رساله من در این زمینه را در لینک زیر بخوانید:

<http://www.ghandchi.com/45-Marxism.htm>

رساله من در بیبلیوگرافی زیر ذکر شده است، و کارهای دیگری نیز ذکر شده‌اند که به موضوع مرتبط بوده، و می‌توانند برای مطالعه بیشتر جالب باشند:

<http://w1.866.telia.com/~u86603748/marxism.html>

مسلماً مارکسیسم مکتب عمده فکری در قرن گذشته بوده است و شاخه‌های زیادی داشته است که حتی برخی از آنها پلورالیست بوده‌اند، و من آنها را نیز در نوشته خود در بالا یاد کرده‌ام، هرچند موضع آنها در رابطه با موضوعاتی نظیر دولت‌گرایی در اقتصاد، با مونیسیم‌ها چندان تفاوتی نداشته و ندارد.

لازم به یادآوری است که صرف نظر از موضوع پلورالیسم، مارکس و مارکسیستها کارهای زیادی در زمینه های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی انجام داده اند و نقد من از اندیشه مونیستی در مارکسیسم به هدف بی اعتبار کردن آن دستاوردها نیست.

همچنین در مقایسه با مونیسم، من مبحث پلورالیسم در فلسفه غرب را نیز مورد مطالعه قرار داده ام و رساله زیر را در باره پلورالیسم نوشته ام:

<http://www.ghandchi.com/46-Pluralism.htm>

بسیاری از متفکرین قرن بیستم نظیر برتراند راسل و کارل پاپر، به اهمیت پلورالیسم در فلسفه غرب اشاره کرده اند، و مطمئناً میتوان متافیزیک پلورالیستی را در کارهای مهم فلسفی، از متافیزیک ارسطو گرفته تا موندولوژی لایبنیتس Leibniz و اتمیسم منطقی logical atomism راسل مشاهده کرد.

در حقیقت اتمیسم منطقی راسل، که وی در مقطعی از سفر فلسفی خود ارائه نمود، فلسفه ای بسیار پلورالیستی است، که برخی از فلاسفه زمان ما، نظیر نلسون گودمن Nelson Goodman در کتاب "طرق مختلف جهان سازی of World-making Many Ways"، پارادیم وی را دنبال کرده اند.

همچنین بسیاری کارهای کمتر شناخته شده نظیر کتاب "فن معماری فحوا، بنیان پلورالیسم نو" Architectonics of Meaning, Foundations of the New Pluralism نوشته والتر واتسون Walter Watson، کوششهایی برای درک مبانی پلورالیسم در اندیشه فلسفی است.

بنظر من اندیشه روشنفکری ایران میتواند از دستاوردهای فلاسفه ای که بیشتر از زاویه نگرش پلورالیستی کار کرده اند، بهره جوید. برخی از آنها نظیر جان رالز John Rawls، در زمینه فلسفه و علوم اجتماعی کار کرده اند، و برخی دیگر نظیر کواین Quine، دستاورد هایشان بیشتر در زمینه های هستی شناسی ontology و منطق، و ریاضیات است.

بنظر من اندیشه روشنفکری ایران بیشتر به مونیسم تمایل داشته تا به پلورالیسم، و این خود یکی از دلایل تمایل به مارکسیسم و بویژه شاخه های مونیستی آن بوده است. البته درست است که دلیل توجه روشنفکران انقلابی ایران به لنین تا کائوتسکی بخاطر غلبه جنبش های انقلابی جهان در نیمه قرن بیستم بوده. ولی صرف نظر از دلایل تمایل، این غیر قابل انکار است که ما نقصان کسانی نظیر جیمز راسل، و پاپر را در تاریخ فلسفه و سیاست خود داشته ایم، ولی فراوانی کسانی نظیر لنین و خمینی. بنظر من مهم است که ما با شایستگی های اندیشه پلورالیستی خود را آشنا کنیم.

اجازه بدهید این یادداشت را با نقل قولی از سخنرانی های 1907 ویلیام جیمز James William تحت عنوان "عالم پلورالیستی A Pluralistic Universe" پایان دهم، که بنظر من توضیح بسیار عالی ای از پلورالیسم است:

"با تفسیر پر اگماتیک و ارانه، پلورالیسم یا دکترین آنکه کثرت وجود دارد، به این معنی است که قطعات گوناگون و اقعیت "ممکن است بیروناً" مرتبط باشند. هر آنچه شما میتوانید به اندیشه بیاورید، هر چقدر بزرگ و در برگیرنده، از نقطه نظر پلورالیستی به یک نوع یا اندازه، یک محیط حقیقی "خارجی" دارد. همه چیز به طرق گوناگون "با" یکدیگرند هستند، ولی هیچ چیز همه چیز را در بر نمیگیرد، یا بر همه چیز غلبه ندارد. لغت "و" در دنباله هر جمله ای میآید. و چیزی همیشه از قلم میافتد. "نه کاملاً" بیان بهترین کوشش ها، در هر جای گیتی، جهت دستیابی به همه-شمولی بایستی ذکر شود. جهان پلورالیستی بیشتر به جمهوری

فدرال شبیه است تا یک امپراطوری یا یک پادشاهی [تاکید از من]. معهذاً هر آنچه بسیار بتوان جمع کرد، بسیاری دیگر حضور خود را در مرکز موثر آگاهی و عمل آشکار میسازند، که چیز دیگری خود گردان و غایب بوده، و غیر قابل تقلیل به یگانگی است.

"مونیسیم، از سوی دیگر، تکیه دارد که وقتی ما به واقعیت توجه میکنیم، واقعیت و اقیانوس، همه چیز حاضرند به *همه چیز* دیگر، در یک همزمانی بزرگ کاملیت، که هیچ چیز به هیچ معنی کاری functional یا اساسی، نمیتواند از بقیه جدا باشد، و همه چیز در هم، در یک تلاقی بزرگ، در هم ادغام میشوند.

"(ویلیام جیمز، جهان پلورالیستی، متن هاروارد، صفحه 45، چاپ 1977، Page 45, William James, A Pluralistic Universe, Harvard Edition, 1977 print).

متن بالا به این معنی نیست که من با فلسفه ویلیام جیمز موافقم. در واقع من در رساله ام درباره پلورالیسم که در بالا ذکر کردم، نقدی از جیمز در رابطه با پشتیبانی وی از فلسفه برگسون Bergson نوشته ام، که بنظر من بسیار عجیب بوده و در تضاد با پلورالیسم است.

آخر آنکه من شک دارم بشریت در هیچ کشوری بتواند ایده آل امریکائی "پیگیری خوشبختی of happiness"، آنگونه که [برتراند دو ژونل](#) توضیح داده است را، در چارچوب مونیسیم بدست آورد، حال چه مونیسیم مذهبی باشد یا ملحدانه!

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

26 آبان 1382

Nov 17, 2003

بمنزبان انگلیسی مقاله:

<http://ghandchi.com/86-whypluralism.htm>

مقالات دیگر فارسی مربوط به موضوع:

<http://www.ghandchi.com/264-Metaphysics-plus.htm>

<http://www.ghandchi.com/97-falsafehElm.pdf>

<http://www.ghandchi.com/index-Page18-Persian.html>

مقالات تئوريك

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>